



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۰۷۱۹ نمابر: ۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۹ اذان مغرب ۱۷:۴۰ اذان صبح فردا ۴:۵۳ طلوع آفتاب ۶:۱۷

زاویه دید

هر خشت که بر کنگره ایوانی است



علی نوازنی

● معماری، باالوپوش ذهنیات یک جامعه است؛ خبر از محتوای فکری آن جامعه می‌دهد. از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و نمایشگر گویای زیست آدمیان آن سامان است. پدیده‌ای است که مستقیما بسر روان انبای بشر تاثیر می‌گذارد. این هنر فاخر در گذشته کشورمان، تابع اصول و ضوابطی معین و شناخته‌شده بود. سبک معماری هر دوره، انعکاس مبرهنه‌ی از فرهنگ آن برهه از تاریخ میهن تلقی می‌شد و پیوندی ناگسستنی با فرهنگ جامعه و الگوهای رفتاری منبعت از آن داشت و امروزه که متخصصان دانش معماری، زایش و رویش نظام کالبد شهری را متکی و مبتنی بر معماری منشعب از فرهنگ اصل آن جامعه بر می‌شمارند، طبیعی است که تبادل سودمند فرهنگ، هنگامی قابل حصول است که کنشی فعال و سازنده و دوسویه میان معماری و فرهنگ پدیدار شود. در این انگاشت دوسویه معطوف به هدف است که تبلور کالبدی گفت‌وگو در ادبیات شهرسازی و مبلمان شهری با تجلی تعالی جوی فرهنگ، رخ نمایان می‌کند. با التفات به این معرفت خجسته، بخش عمده‌ای از احوال اندیشه عینی یک جامعه بهبود یافته و این سیر بهینه‌سازی بر شعب مرتبط دیگر نیز تسری پیدا می‌کند... گلگشتی در اصفهان، حسرتی را در اندیشه‌ام بیدار کرد. نقوش و شمایل معماری امروzin ما، متأثر از کدام مولفه‌های فرهنگ اصل ماست؟ این پایه پریشانی و این مایه آشفنگی که در نمای سازه‌ها و رونمای عمارت‌های مختلف شهرها به چشم می‌خورد، نشانی از آشفنگی درونی ما نیست؟!

در خنکای دلپذیر عاشقانه ، ششی از پاییز رنگ‌خیز، بر سکویی ذیل طاق ضربی یکی از رواق‌های ۳۳ پل نئوسنته بومد و از نعمت حیات، کام دل می‌ستاندم. اگرچه نازایی زاینده‌رود، عیش من منقض می‌کرد! اما فرصت لختی آسودن مهیا بود. گرم مرور خوشدلی‌های از سر گذشته بومد که هرم حضورى در کنار خودم را حس کردم. بانوى جهانگردى در فاصله‌ای به قاعده چند وجب آنسوتر از من، به دقتی ژرف، بر دیواره‌ها دست می‌کشید. روى هر بند در فواصل آجرچین دیواره‌ها مکثی داشت و مجددا خستى دیگر را نوازش می‌کرد.

پرسیدم: به چه می‌اندیشید؟ فى‌الفور سرش را به سوى من گرداند و لیخند ملیحی بر لب نشاند و بالحنی نرم و آرام پاسخ داد: به گذشتگان!

برایم جالب آمد. به ذهنم خطور کرد که چشمان ریز و بادامی این جهانگرد چینی، چه عمقی را نشانه رفته است. روزگاری از صاحب‌دلى، نقلی از جمال قبطای، رمان‌نویس شهیر مصرى، شنیدم: یک‌ساعت پیش با یک‌میلیون سال پیش تفاوتی نمی‌کند. خیام هم از زاویه‌ای دیگر چنین می‌انگارد: ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم وین یکدم عمر را غنیمت شمریم فردا که از این دیر فنا در گذریم با هفت‌هزار سالگان سربه‌سریم

در همان اندیشه بومد که با ملاحظت شکرینی پرسید: آنها به چه می‌اندیشیدند؟ گفتم: به آنچه ما امروز نمی‌اندیشیم! سرى به تعجب تکان داد، ابروهایش را تابه‌تا کرد، شانه بالا انداخت، جمله مرا با خودش تکرار کرد و رفت... دیگر از این شکوه سخن به میان نیاوردم که بسیاری از شهرها در اقصی‌نقاط جهان، گاه چندین سده است که معماری اصیل منطبق بر فرهنگ کهن خویش را قدر نهاده‌اند و مطلقا اجازه دخل و تصرف هرنبیل و نامنظم را نداده‌اند تا رونمای عمارت‌ها، گواهی بر پیوستگی تاریخی و فرهنگی‌شان باشد. آنگاه در کشور ما، افرا، به پسندد خویش، هر گونه نمایی برای رونمای عمارت خویش می‌آریند و محصول چنین رویکرد خودسرانه و باری به هرجهت، شلم‌شوربای پریشانی و سردرگمی و سرسام کالبد شهری است! ... در راه بازگشت، آثار و ابنیه‌ای که هرکدام شاهکار معماری و هنر و فرهنگ اصیل این‌اب آب و خاک محسوب می‌شوند را در ذهن تداعی می‌کردم و بارای از سروده متناسب استاد شفيعی‌كدكنى زمزمه‌ام بود:

تا كجا می‌برد این نقش به دیوار مر؟ / یا پداتجا که فروماند / چشم از دین و لب نیز ز گفتار مرا ./ این چه حزنى ست که در همههم کلتش‌هاست / جامه سوگ سیاوش به تن پوشیده است / این طبنی که سرآیند خموشی‌ها / از عمق فراموشی‌ها / و به گوش آید از اینگونه به تکرار مرا ./ در فضایی که مکان گم شده از وسعت آن / می‌روم سوى قرونى که زمان برده ز یاد / هوس کوى معان است دگر بار مرا..

روزنامه

دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۲ ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۶۲ ۱۶صفحه

کافه نظر

تلاش‌ها برای بازگشایی «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» آغاز شده است



عکس: احسان قلعچی، شرق

پاسخگوی سوالات بودند، در چالش‌های پیش روی روزنامه‌نگاری منهای نهاد صنفی حامی می‌گویند و خواستار بازگشایی مجدد آن هستند. آنها معتقدند که ضرورت داشتن یک نهاد مدنی و صنفی در جامعه بزرگ مطبوعات ایران که روزهای تازه و احتمالا آزادتری را پیش‌رو دارد، اجتناب‌ناپذیر است:

کامبیز نوروزی ◀ وکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

در حال حاضر دوستان در انجمن در پی اقدامات و تلاش‌هایی هستند که در مسیر قانونی و مقررات جاری کشور، شرایط بازگشایی «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» را فراهم کنند. خصوصا باید به این نکته توجه کرد که این انجمن با حدود ۱۵ سال سابقه از زمان تاسیس، بزرگ‌ترین و فراگیرترین و مؤثرترین تشکل صنفی تاریخ روزنامه‌نگاری ایران است که بر اساس تجربه نسل‌های گذشته روزنامه‌نگاری و با مشارکت جمعی روزنامه‌نگاران کشور و در چارچوب قوانین جاری تشکیل شد و فعالیتش را شروع کرد و متأسفانه در مرداد ۸۸ با پلمب دفتر انجمن، امکان فعالیت انجمن سلب شده و فعالیت‌های آن به حالت تعلیق درآمد. به هر حال توسعه و رشد فعالیت مطبوعات و آزادی مطبوعات در امروز ایران به اندازه‌ای است که حضور یک نهاد صنفی مانند انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را نه‌تنها مفید بلکه ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌کند و فعالیت انجمن به‌عنوان یک نهاد مدنی و صنفی به پیشبرد اهداف نظام و تعامل قانونی و سازنده بین جامعه روزنامه‌نگاری و نظام بسیار کمک می‌کند و امیدواریم تلاش‌هایی که برای بازگشایی انجمن در جریان است با تاسی و تمسک به قوانین جاری کشور و مصالح موجود با نگاه مثبت نگریسته شود و مسوولان کشور در دستگاه قضایی و دادستانی محترم تهران و وزارت کار و تعاون و امور اجتماعی و نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بازگشایی دفتر انجمن مشارکت و اهتمام ویژه داشته باشند.



کسری نوری ◀ سردبیر روزنامه شهروند

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، زمانی شکل گرفت که مانند امروز، شاهد این میزان تعدد نشریات در کشور نبودیم. اواسط دهه ۷۰ بعد از پیگیری تعدادی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان برای احیای سندیکای نویسندگان و روزنامه‌نگاران که سابقه‌اش به سال‌های قبل از انقلاب می‌رسید، این تفکر شکل گرفت که برای حقوق صنفی مطبوعات و اهالی آن باید نهاد جدیدی شکل بگیرد که بعدها با نام انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران معرفی شد و بنه آن در یک فرآیند دموکراتیک انتخاب شد. اگرچه ترکیب اصلی هیات‌مدیره این انجمن، در طول آن سال‌ها، عموما با حضور نیروهای به اصطلاح چپ یا اصلاح‌طلبان شکل گرفته بود اما فعالیت‌های خود را به‌صورت قانونی انجام می‌داد. نقطه آغاز شرایط فعلی این انجمن، به اعتقاد من با برخی کارشکنی‌ها آغاز شد؛ دوستانی که نمی‌توانستند اکثریت این انجمن را به دست آورند، کارشکنی‌های خود را آغاز کردند در حالی که به این موضوع توجه نداشتند که در این نهاد صنفی افراد فارغ از گرایش‌های سیاسی حضور دارند. البته این احتمال همیشه بود که بعضی از اعضای انجمن تفکرات سیاسی خود را به درون این نهاد صنفی آورده باشند اما در یک ارزیابی کلی نمی‌توانیم بگوییم که در آن سال‌ها، انجمن از مسیر اصلی خود خارج شده باشد. واقعیت این است که ما در چنین فعالیت‌هایی کم‌تجربه هستیم و طبیعی است که در شروع هر اقدام صنفی‌ای با آسیب‌هایی مواجه شویم، بهتر این بود که اجازه کار به این انجمن داده می‌شد تا در مسیر خود، نقص‌ها را جبران کرده و اکنون به‌صورت یک نهاد صنفی قدرتمند حضور داشته باشد. اما امروز خبری از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیست و بسته شدن این انجمن به‌صورت غیرقانونی صورت گرفته چراکه برای انحلال چنین انجمنی باید با اعضای آن رای به چنین اقدامی داده باشد یا دادگاه صالح‌های رای توقیف آن را صادر کرده باشد که در مورد انجمن صنفی هیچ‌کدام از این راهکارهای قانونی صورت نگرفت. در این سال‌ها، توقف فعالیت انجمن باعث شده که تشکل‌های موازی به جای آن شکل بگیرند که اتفاقا این تشکل‌ها بیشتر شباهه سیاسی دارند و نماینده یک جریان فکری خاص هستند که دولت‌ساخته‌است و بنابراین طبیعی است که آسیب‌های نبود انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بیش از قبل احساس شود. در طول این سال‌ها، روزنامه‌نگاران نتوانستند احساس کنند که در بزنگاه‌ها، از حمایت‌های لازم برخوردار هستند و بی‌شک می‌شود گفت که همین احساس بی‌پناهی و سرگردانی، جدی‌ترین آسیب نبود انجمن صنفی بود. برای گوشودن درهای انجمن صنفی، بهترین راه این است که تمام گروه‌ها دست از شانتاژهای سیاسی بردارند و دولت نیز به آنها کمک کند تا انجمن دوباره فعالیت خود را از سر بگیرد و اگر قرار است فعل و انفعالی درباره‌اش رخ دهد، از درون و توسط خود اعضای این صنف باشد. هرگونه فشار از بیرون راهگشا نخواهد بود.



محمد چوپانی ◀ سردبیر مجلات آسمان، مهرنامه و تجربه

به هر حال انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نهادهی است که پیش از آنکه بخش حاکمیتی بخواهد درباره آن تصمیم بگیرد، بهتر است که خود اهالی مطبوعات درباره‌اش به یک جمع‌بندی و انسجام برسند. به نظر بهتر است در یک جلسه هم‌اندیشی اهالی مطبوعات حضور پیدا کنند و با هماهنگی وزارت ارشاد درباره آینده انجمن، بدون هیچ نگاه تبلیغاتی، بحث و گفت‌وگو شود. اهالی مطبوعات باید بتوانند پی‌ورده با یکدیگر گفت‌وگوی درونی داشته باشند تا هویت تازه‌ای برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران شکل بگیرد. به اعتقاد من فقدان هویت صنفی و غلبه هویت سیاسی بر هویت صنفی، باعث شد که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به شرایط فعلی برسد، بنابراین برای خروج از شرایط فعلی ما نیازمند یک گفت‌وگوی درونی هستیم چراکه هر یک از ما روزنامه‌نگاران به شخصه، می‌توانیم مشمول همین نوع نگاه باشیم. استفاده از ظرفیت ریش‌سفیدان مطبوعات در چنین نشتستی می‌تواند کارساز باشد تا آنها به جوان‌ترها، در بازپس‌گیری خانه‌شان کمک کنند. در چنین نشتستی می‌توان از وزارت ارشاد و دیگر نهادهای دولتی هم دعوت کرد تا حضور داشته باشند و حرف‌های اهالی مطبوعات را بشنوند و کمک کنند به احیای یک نهاد صنفی برای جامعه مطبوعات ایران.



مهران کرمی ◀ روزنامه‌نگار

من معتقدم که روزنامه‌نگاران هم مانند همه صنف‌ها باید این توانایی را داشته باشند که از حقوق صنفی‌شان در تعامل با حاکمیت و دیگر نهاده‌ا حمایت کنند و به همین منظور، نیازمند یک نظام صنفی هستند. اما نگاهی به تاریخچه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نشان می‌دهد که این انجمن در گذشته رفتاری سیاسی داشته و بخشی از وضعیت فعلی آن وابسته به چنین هویتی است. با این همه اگر انجمن در گذشته رفتار سیاسی داشته و به تبع آن مشکلاتی به وجود آورده، این موضوع نمی‌تواند دلیلی بر بستن تنها نهاد صنفی جامعه روزنامه‌نگاران ایران باشد. بنابراین بهتر است برای رسیدن به یک شرایط جدید، از گذشته و تجربیات آن درس بگیریم و ایرادها را برطرف کنیم چراکه نبودن یک نهاد صنفی در حوزه روزنامه‌نگاری، در طول این سال‌ها، ضربه‌های متعددی بر پیکره مطبوعات ایران زده است. برخی از این خسارت‌ها به خاطر رویکرد امنیتی بوده که دولت به روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های فردی روزنامه‌نگاران داشته و در کنار آن نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که به‌طور کلی نگاه به تشکل‌ها یک نگاه منفی بوده است. با این همه واقعیت این است که نمی‌توان گفت اگر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در طول این سال‌ها، به فعالیت خود ادامه می‌داد می‌توانست از روزنامه‌نگاران و جامعه مطبوعاتی ایران در برابر مشکلات به وجود آمده دفاع کند یا نه اما واقعیت این است که وجود چنین نهاد صنفی می‌توانست از کشمکش‌ها بکاهد و حتی به‌عنوان یک نظام صنفی، از بار وظایف دولت در حوزه مطبوعات بکاهد و حتی برخی مسوولیت‌ها مانند نظارت بر مطبوعات را بر عهده بگیرد.

شرق

دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۲ ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۶۲ ۱۶صفحه



رناليسم انتقادى با «عماد افروغ»

شرق: موسسه پرسش از روز دوشنبه ۲۹مهرماه ميزبان عماد افروغ خواهد بود. عماد افروغ از روز دوشنبه ۲۷مهرماه ساعت ۱۷ درسگفتار رناليسم انتقادى را در موسسه پرسش ارايه خواهد داد. اين سرى درسگفتارها که به يکى از مهم‌ترين نخله‌هاى معرفت‌شناسى مدرن خواهد پرداخت در طى چهار جلسه و در محل موسسه پرسش به آدرس: خيابان ليکبصر، ضلع‌شمالى پارک ساعى، کوچه ساعى‌يکم، پلاک هفت بر گزار خواهد شد. علاقمندان براى ثبت‌نام در اين درسگفتار مى‌توانند با شماره تلفن‌هاى ۵-۸۸۶۵۸۶۰۲ تماس حاصل کنند.



کارتون خواب



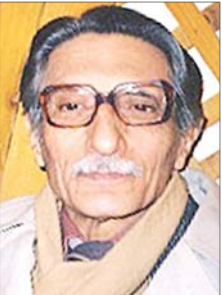
بیهقی

شاعر سکوت و تنهایی



داریوش معمار

او شاعر تنهایی است و شعرش را به‌درستی با عنوان «شعر سکوت» در مجامع ادبی شهرت داده‌اند، دامنه تاثیر او بر همنسلانش و نسل‌های بعد را در این جمله از وی در تعریف مینای شاعرلنگ‌اش می‌توان معنا کرد: «در شعرهای من نوعی گفت‌وگو دنبال شده گاه با خداوند، گاه با جهان، گاه با طبیعت»



«بیژن جلالی» که از خانواده مادری نسبتش به فامیل سرشناس «هدایت» می‌رسید، آنطور که گفته شده در نوجوانی هم‌صحبت دایی خود صادق هدایت بوده و مدتی از نیز در فرانسه سیری کرده، سرنوشت زندگی شخصی و اجتماعی وی نیز همانطور که اشاره شد در عزات‌گرینی و گوشه‌گیری شایهت بسیار به زندگی هدایت دارد.

جلالی عاشق گریه‌ها بود و همیشه در

شعرش به مفاهیمی برمی‌گشت که اعتقاد داشت به‌طور

طبیعی در روش وجود دارد، یعنی خدا، سرنوشت، خیر

و شر و اینکه آیا بالاخره می‌شود در روی زمین خوشبخت

بود.

آنطور که بعضی منتقدان اشاره کرده‌اند معنویت در

شعرهای جلالی، این متولد ماه آبان و زبان‌منثور آن بیش

از آنکه در نتیجه تاثیرپذیری وی از جریان‌های ادبی رایج



مسعود دلخواه

«بیچاره مکبث» را یک نمایش خلاقه دیدم و لذت بردم، در واقع آثار «شکسپیر» این خاصیت را دارند که با رویکردهای مختلف و شیوه‌های متفاوت به اجرا در بیایند و این اجرا هم یک شیوه کاملا متفاوت بود. در این شیوه به نوعی طراحی صحنه و لباس با هم ادغام شده است. یعنی طراحی صحنه در بیشتر مواقع لباس بازیگران هم می‌شود و برای من یادآور یک دریای طوفانی بود که اشخاص نمایش در این دریا و در لابه‌لای امواج، در حال غرق‌شدن یا شاید در یک جهان بی ثبات

از هر نظری ضرر

دریاچه ارومیه از خجالت آب شد



یوریا اامینی

● **نفس دریاچه ارومیه به شماره افتاد.** (مهر) یک کارشناس محیط‌زیست به خبرنگار ما گفت: نفس‌نفس تو سینه حبس، رایحه خدمتگزاری دولت احمدی‌نژاد است! از دل دیپوونه نترس، دانشگاه ایرانیان تو راه است... **مدیریت آبکنسی** آب خلیج‌فارس را می‌آوریم تا باهاش دریای خزر را بر کن بریم. بعد آب دریای خزر را می‌بریم می‌ریزیم توی دریاچه‌ارومیه. هرچی تهش ماند می‌ریزیم توی سد کرج. تا آنجا که ما با چشم غیرمسلح می‌بینیم، هرچی آب بوده توی مملکت خشک شده. مثلا دریاچه ارومیه، دریای خزر، زاینده‌رود، دریاچه هامون، حتی همین آب کرج با بلوار کشاورز.

پرسش و پاسخ

سوال: واقعا چرا در سال‌های گذشته آب مملکت کم‌شد؟

– آب را گل‌آلود کرده بودند که از توش ماهی بگیرند. ماهی‌شان را که گرفتند و رفتند بغل سلین دیون، اینقدر تک‌خور بودند که نگذاشتند آب از دستشان بچکد.

– دولت قبلی از بس شعار داده بود که می‌شود اما نمی‌شد، عادت داشت که مردم را تشنه ببرد لب چشمه و برگرداند. اینقدر برد و آورد، اینقدر برد و آورد که دریاچه ارومیه ته کشید.

– دریاچه ارومیه به‌خاطر ضعف مدیریت و برخی تخریخورها، از خجالت هی عرق شرم کرد، اینقدر عرق شرم کرد که خشک شد.

– آقای خاوری سه‌هزارمیلاردی (رییس بانک ملی سابق) داشته امتحان می‌کرده خطوری با آبکش آب ببرد برای سلین‌دیون.

دیالوگ ۱

به ما انتقاد می‌کردند چرا همه‌چی رفته بالا، خب قیمت‌ها را که نمی‌توانستیم از بالا بکشیم. پایین‌راستش ما تنها چیزی که می‌توانستیم بکشیم پایین، ارتفاع آب دریاچه ارومیه بود. پس می‌خواستید چی‌رو بکشیم؟

دیالوگ ۲

– ببخشید هدف شما از خشک‌کردن دریاچه ارومیه چی بود؟

– ما می‌خواستیم آب دریاچه خشک شود تا نمکش بماند تا بتوانیم در کتاب گینس بزرگ‌ترین نمکدان دنیا را ثبت کنیم. همه‌ش... همون‌طور که می‌بینید ما ایرانی‌ها خیلی بانمک هستیم. مخصوصا خود من... همه‌ش.

دیالوگ ۳

– دکتر واقعا آب دریاچه ارومیه، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و... چه شد؟

– آبشرو کشیدیم چلو شد. من از شما می‌پرسم

مگر شما خودت توی خانه آبش را نمی‌کشی چلو

دکه

علی محمد افغانی

۵۰ سال بعد از «شهر آهوخانم»

- نام‌نشریه: آزما

حوزه‌انتشار: ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
زمان انتشار: مهر و آبان ۱۳۹۲
سردبیر: هوشنگ اعلم
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
تعدادصفحات: ۲۲صفحه

مطالب مهم:

گفت‌وگو با احمد پورنجاتی / صفحه ۱۶

گفت‌وگو با جواد مجابی / صفحه ۲۰

گفت‌وگو با محمد رحمانیان / صفحه ۲۴

صدسالگی پاپلو نردوا / با ترجمه عبدالله کوثری /

صفحه ۳۰

یک درذ بی‌شرم به نام وودی آلن / صفحه ۵۴
یادداشت محمد رحمانیان برای محمود

استادحمد/ صفحه ۶۶

مطلب پیشنهادی «شرق»:

گفت‌وگو با علی‌محمد افغانی خالق شوهر

آهوخانم/ صفحه ۸

علی‌محمد افغانی برای چندروز کم به ایران آمده بود. در همین مدت کوتاه اهالی مجله «آزما» فرصت گفت‌وگو با او را فراهم آوردند.

او که در این سال‌ها خیلی تن به گفت‌وگو نداده است، در این گفت‌وگو که جلد این شماره آزما را هم به خود اختصاص داده، ناگفته‌های این سال‌ها را بیان کرده است.